

تازه های نشر

کتاب «هستی»



انتر رولو می، ارنست آنجل، هانری ف. انبرگر با ترجمه سپیده حبیب که نشر نی منتشر کرده است
نویسندگان این کتاب، پایه گذاران روان درمانی اگزیستانسیال در نیمه سده بیستم اروپا هستند که همگی از بزرگان روانکاوی فرویدی و گاه همچون لودویگ بینزوانگر از دوستان نزدیک فروید بوده اند، اما بر خورد با کاستی های روان کاوی، در پی رویکردی انسان مدار تر، از فلسفه یاری جستند و زبان فلسفه اگزیستانسیال را به رشته خودشان ترجمه کردند. کار رولو می در پیگیری ترجمه و ویرایش این مقالات از زبان های آلمانی و فرانسوی به انگلیسی، خدمتی بزرگ بود، زیرا جهان انگلیسی زبان و از این طریق سایر فرهنگ ها را با این رویکرد و زرفای آن آشنا کرد و به عبارتی، آن را جهانی ساخت. یکی از مهم ترین نکاتی که از این کتاب می آموزیم، تعریفی است که از فلسفه اگزیستانسیال به دست داده می شود و وجهی از این فلسفه که در درمان کاربرد دارد. از رو علاقمندان به این رویکرد روان درمانی در ایران می توانند از این کتاب بسیار بیاموزند.

کتاب «هستی»، از زمان انتشارش در سال ۱۹۵۶، مهم ترین، کامل ترین و درخشان ترین روایت از رویکرد اگزیستانسیال در روانشناسی به دست داده است. ویراستاران، از میان آثار پیشگامان جنبش تحلیل اگزیستانسیال، تاریخچه های موردی و نوشته هایی را برگزیده اند که بتوانند این رویکرد را توضیح دهند؛ رویکردی که به قول رولو می، بیماری روانی را «نه به مثابه انحرافی از معیارهای مفهومی این با آن روان پزشک، بلکه به مثابه انحرافی در ساختار هستی ویژه آن بیمار یا به عبارتی مختل شدن موقعیت انسانی او می شناسد».

کتاب «پول»



انتر یووال نوح هراری با ترجمه مهدی نمازبان که نشر نون منتشر کرده است.
پول چگونه اختراع شد؟ چرا چنین نقش مهمی در زندگی هایمان ایفا می کند؟ آیا اسباب شادی مان را فراهم می کند یا این که حاصلی جز تلخ کامی ندارد؟ آینده بشر چه بر نامه ای برای پول دارد؟ فناوری های آینده در زمینه هوش مصنوعی چه تأثیری بر زندگی انسان خواهد گذاشت؟ الگوریتم ها چگونه زندگی آدمی را متحول خواهند کرد؟ ابرانسان های جدیدی مانند ویسز، کور تانا و گوگل چگونه بر جهان مسلط خواهند شد؟ پاسخ به تمام این پرسش ها موضوعات مورد بحث در این کتاب هستند و نویسنده کتاب به این پرسش ها پاسخ خواهد گفت. یووال نوح هراری با وضوح و بینشی مثال زدنی، خواننده را به سفری جذاب، از زمان ضرب نخستین سکه ها تا اقتصاد قرن بیستم و یکم می برد و به ما نشان می دهد که چگونه در شرف یک انقلاب قریب الوقوع هستیم، چه بخوایم و چه نخواهیم، چه دوست داشته باشیم و چه از آن متنفر باشیم.

در نظر گرفتن کتاب به عنوان کالایی تفریحی، می تواند آن را در رده سینما و تئاتر و کنسرت موسیقی و گالری گردی و دیگر وقت گذرانی ها قرار دهد

هنوز چندان فشار اقتصادی بر ما وارد نمی کند
در نظر گرفتن کتاب به عنوان کالایی تفریحی که می تواند سرگرم کننده باشد اوقات فراغت میلیون ها نفر از افراد جامعه را پر کند و روزهای تعطیل را از بطالت خارج کند و در عین آگاهی دهنده باشد، می تواند چرخ های فرسوده صنعت نشر را نیز به حرکت در آورد و از هر اتفاق ناگواری برای این صنعت ضروری در کشور جلوگیری کند. همچنین کتاب فروشی ها؛ تعطیل شدن و تغییر کاربری نجات یابند و خود بتوانند با توفی برای گردش هم آوردن اقشار مختلف جامعه - نه فقط افراد اهل فرهنگ - در کنار هم باشند.

در نظر گرفتن کتاب به عنوان کالایی تفریحی می تواند به آرامی فرهنگ کتابخوانی را در هر مکان و هر شرایطی در افراد جامعه نهادینه کند و کم کم تمایل به آگاهی و دانستن در افراد جامعه شکل بگیرد و در نتیجه خود کتاب به کالایی ضروری مبدل شود. نگاه جدی جامعه به کتاب، می تواند ناشران را در برخورد با این مقوله نوع کتابی که چاپ می کنند، مسئولانه تر بار بیورد تادر انتخاب و چاپ کتاب ها دقت بیشتری داشته باشند و حرف های تر عمل کنند.

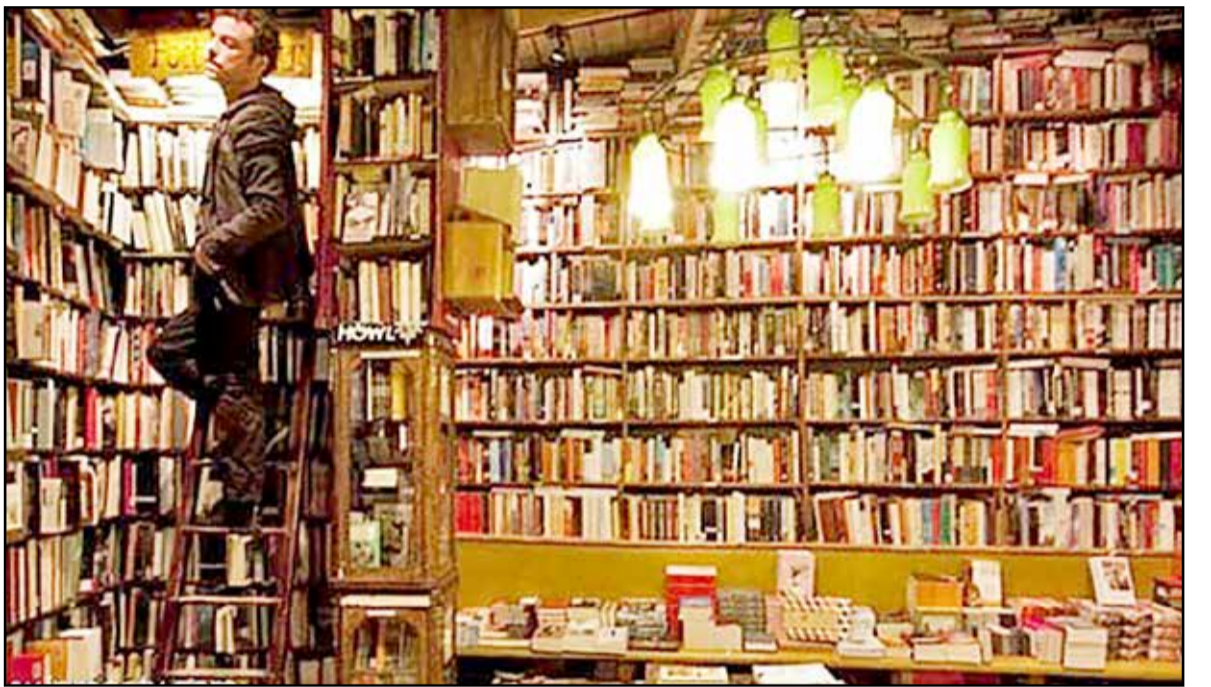
در نظر گرفتن کتاب به عنوان کالایی تفریحی، می تواند آن را در رده سینما و تئاتر و کنسرت موسیقی و گالری گردی و دیگر وقت گذرانی ها قرار دهد، نه این که به عنوان کاری جدی به بعد موکول شود و کتاب ها تا مدت ها گوشه قفسه ها و کتابخانه ها و کتاب فروشی ها خاک بخورند تا بلکه به وقت ضرورت سراغشان برویم.
لذت بردن از کتاب خواندن می تواند آن را در برنامه روزانه ما بگنجانند تا همان قدر که وقت صرف تلویزیون و فیلم دیدن می کنیم، برایش وقت صرف کنیم و آن را به سید کالای روزانه مان راه دهیم و جمله معروف «کتاب، غذای روح است»، در عمل محقق شود و عینیت یابد.

باروری استعداد او، امری فراموش شده است. آن چنان که حتی تحصیل در قرن بیست و یکم برای این قشر از جامعه عقب گرد کرده و آمار کودکان کار را روبه فزونی نهاده است. اما در بهترین حالت نیز، بر آمدن از پس خرج تحصیل چند کودک در جامعه ای که تورم جلوتر از همه حرکت می کند، چنان دشوار است که انگار باید به عدم توانایی در تهیه کتاب یا عدم دغدغه نسبت به کتابخوانی در این قشر حق داد.

اما در لایه های این اقشار، قشر مذهبی نیز زیست و وجودی تأثیر گذار در این آمار دارند. تعریف قشر مذهبی از مذهب، گاه چنان بدون اندیشه است که خواندن کتاب های غیر مذهبی را از این قشر دور می کند. می دانیم که در کشور ما چاپ ادعیه و کتاب های مذهبی در بالاترین میزان تیراژ نسبت به کتاب های دیگر قرار دارند که بیشترین کمک و لیست پشتیبان فروش ناشرانی از این دست هستند. به نظر ضروری می رسد که قشر مذهبی جامعه نیز به خواندن کتاب از منظری دیگر بنگرد.

جایگزین کردن کتاب به جای تفریحات دیگر

اکنون که دلار فاصله اش را با واحد پولی ما زیاد کرده است، بی شک تفریحاتی از قبیل رفتن به مسافرت های خارجی و با وجود تورم، حتی رفتن به مسافرت های داخلی، اندکی سخت تر یا با فاصله زمانی بیشتری شده است. بنابراین نوع تفریحات جامعه از قشر مرفه گرفته تا متوسط می تواند تغییر وضعیت دهد و از تفریحاتی لوکس مانند سفرهای خارجی به رفتن به تئاتر و سینما و کتاب خواندن چرخش کند. با چنین رویکردی سینما و به ویژه سینمای مستقل، تئاتر به عنوان هنری فاخر که درآمد اندکی برای اهالی آن دارد و خواندن کتاب که هنوز با وجود ارزش ذاتی و لزوم و نیازمندی نسبت به آن، کالایی گران محسوب نمی شود، می تواند جای تفریحات پر هزینه را بگیرد و حتی اگر بگوییم بالا اجبار، کتاب بتواند موجودیت مفید و ضروری خودش را به جامعه تحمیل کند.
به نظر می رسد که ضروری است نوع نگاهمان به کتاب را تغییر دهیم و به جای استفاده از آن در مواقع ضروری، کتاب را برای پر کردن اوقات فراغت، رفع خستگی از کار روزانه و تفریحی برای پایان روز و پایان هفته ببینیم که



نوعی نگاه نهادینه شده در فرهنگ ایران و ایرانی وجود دارد که کتاب را کالایی لوکس یا نخبه گرا و تنها متعلق به قشر اندیشمندی داند

اساسی این جاست که این عده اندک نیز به دلیل دست و پنجه نرم کردن با مشکلات اقتصادی، قدرت خرید پایینی برای خرید کتاب دارند و در نتیجه از همین عده قلیل، تعدادی دیگر نیز از مشتری یان کتاب کم می شوند. قشر فقیر جامعه نیز که تکلیفش روشن است؛ این بخش از جامعه چنان با غم نان درگیر و دار هستند که کتاب خریدن و کتاب خواندن حتی امانت گرفتن کتاب از کتابخانه های شهر نیز در هیچ گوشه و کنار ذهن آن ها جای نمی گیرد. این قشر که اکنون با بحران اقتصادی و سقوط قشر متوسط به طبقه پایین تر، به اکثریت جامعه تبدیل شده اند، نماینده فرهنگ غالب جامعه هستند. تعداد فرزندان آوری در این قشر در بالاترین سطح قرار دارد و مسیر کردن شکر این تعداد بالا در اغلب موارد به اولویت والدینی تبدیل می شود که نا آگاهی آن ها را به ورطه سقوط و ابتلال در شکل زندگی کشانده است و تربیت کودک و کمک به

حتی ابزار رسیدن به هدف نیست، زیرا هدف گذاری چنین فردی از راهی متمایز می گذرد. فاجعه آن جاتفاق می افتد که چنین فردی، با امکانات ناشی از قدرت اقتصادی، کم سواد و نا آگاهی اش را به مرور به باقی افراد نا آگاه جامعه که قدرت اقتصادی ضعیف تری دارند، تحمیل می کند و این گونه است که فرهنگی نادرست و غلط در جامعه پایه گذاشته می شود و حتی اگر فرهنگی غنی از گذشتگان به میراث مانده باشد، آرام آرام پوست می اندازد و مسخ می شود تا در این استحاله آرام اعمیق، تلاش اقلیت آگاه جامعه راه به جایی که نبرد هیچ، بلکه در اغلب موارد خود آن ها نیز مغلوب این فرهنگ شوند.

اما قشر متوسط جامعه که بیشترین تعداد تحصیل کردگان دانشگاهی را تشکیل می دهند و نویسندگان و منتقدان و محققان عموماً از این قشر بیرون می آیند، به دو گروه تقسیم می شوند:
گروهی از این تحصیل کردگان، کتاب را ابزاری برای رسیدن به هدف می بینند و از آن تنها استفاده ای کاربردی برای گرفتن مدرک یا ارتقای جایگاه می کنند. گروهی دیگر که عموماً نویسندگان و شاعران و منتقدان هستند، همان تعداد در اقلیت کتاب خرو و کتابخوان هستند که تیراژ پایین کتاب ها کفاف نیازهای آن ها را می دهد. اما مسئله

آگاهی است. این جمعیت در اکثریت نیز مختص به یک طبقه خاص نمی شود و از قشر مرفه تا قشر متوسط و قشر فقیر جامعه را شامل می شود و همه آن ها به یک میزان از نا آگاهی رنج می برند؛ تنها تفاوت در این ها، شکل آسیب پذیری از عدم مطالعه و آگاهی است و هر کدام به گونه ای راه را به بیراهه رفته اند.

اقشار مختلف جامعه

قشر مرفه که به نوعی فرهنگ غالب را تبلیغ و به جامعه القا می کند، با نداشتن آگاهی می تواند بسیار خطرناک و آسیب زنده باشد. قشر مرفه از سر نا آگاهی، نوعی اندیشه کالایی زده و مصرف زدگی را به عنوان شکل یک زندگی برتر که در آن کالاها حرف اول را می زنند، تبلیغ می کند و با قدرت تریونی که در لوسای قدرت اقتصادی به دست آورده، می تواند استفاده از واژه های بیگانه، فرهنگ عظیمی از فحش ها، نوع تفریحاتی که به سفرهای خارجی ختم می شود و اصراف گرایی در استفاده از پوشش پرزرق و برق را به خورد جامعه دهد؛ زندگی لوکسی که در آن خبری از کتاب نیست. چون در چار چوب زندگی قشر مرفه تعریف نشده است، او به خواندن و آگاهی نیازی ندارد، زیرا تمام آنچه می تواند او را از زندگی راضی نگه دارند، در اختیار دارد. در ساختار زندگی چنین فردی، کتاب



فسانه فردان

نوعی نگاه نهادینه شده در فرهنگ ایران و ایرانی وجود دارد که کتاب را کالایی لوکس یا نخبه گرا و تنها متعلق به قشر اندیشمندی داند. یعنی از دیرباز کتاب، کالایی بوده است که تنها در خانه محققان و پژوهشگران و اهل ادب یافت می شده است و باقی اقشار جامعه وجود کتاب را در خانه و زندگی خود ضروری نمی دانسته اند، چون احساس نیازی به آن وجود نداشته است. این نوع نگاه را نمی توان نقد کرد زیرا محققان و صاحب ادب، خود نیز به کتاب نگاهی ابزاری برای تحقیق و انجام کارهای پژوهشی شان داشته اند. یعنی ایرانیان تا به کتاب نیازی نداشته باشند، از آن استفاده نمی کنند؛ به این معنا که کتاب لزوماً با برای امر تحصیل است یا برای انجام تحقیقات و نوشتن مقاله و در بهترین حالت برای نویسندگان و منتقدان جهت آشنایی با آثار دیگر نویسندگان یا گرفتن ایده برای نوشتن. بنابراین تعداد اندک تیراژ کتاب در ایران، بین محققان و پژوهشگران و نویسندگان و منتقدان در چرخش بوده و هست. این افراد در صد بسیار بسیار پایینی از جمعیت جامعه ای را تشکیل می دهند که فرهنگ چندپاره و روبه تنزل آن تشنه آموختن و یاد گرفتن و

یادداشت

یادداشتی درباره کتاب «با همه چی» و نویسندگانش

حرف های فیلسوفانه با زبانی کودکانه

آیان مصدق

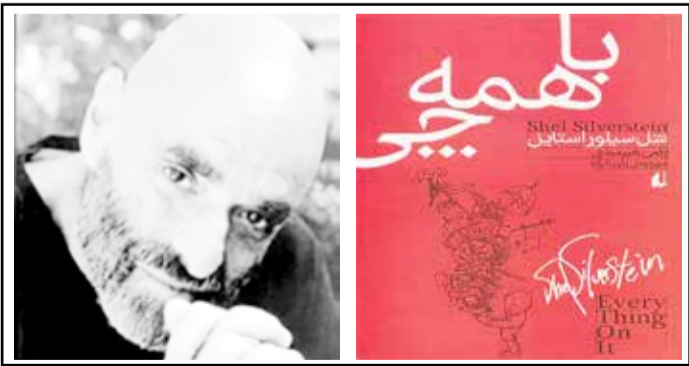
«از این جاره می افتم توی جاده گردالی، همین طور دور می زوم استوار و امیدوار از میان گرد و غبار تا می رسم در سست به نقطه ای که شروع کرده ام».

از صفحه نخست کتاب

شل سیلور استاین را شاید بتوان متفاوت ترین و منحصر به فردترین نویسنده و شاعر جهان نامید. زیرا او تنها نویسنده و شاعری است که آثارش در هیچ گروه سنی جای نمی گیرد و هر کسی با هر سنی از کودکان گرفته تا کهنسالان، می توانند مخاطب آثارش باشند. از آن گذشته، آثار او بی واسطه توضیح و تفسیر می توانند با مردمی از تمام گوشه و کنار جهان ارتباط برقرار کنند و هرگز به یاد خواننده

خود نیاورند که نویسنده این داستان ها و اشعار، مردی از شیکاگوی آمریکاست. آثار شل سیلور استاین به ظاهر برای کودکان نوشته شده اند، به ویژه باضمیمه شدن نقاشی های خود شل سیلور استاین که رنگ و بویی کودکانه دارند. اما در واقع او هرگز نمی خواست بانگاه تلخش به جهان که در زیر طنزی ظریف پنهان می شود، به ادبیات کودکان وارد شود. شل سیلور استاین زبان کودکانه و طنز را برای بیان حقایق تلخ جهان و نگاهش به هستی و انسان ها و جهان اطرافش برگزید تا بسودن گزندگی و بی گزند راهش را ادامه دهد. استعداد شل سیلور استاین در نقاشی و کاریکاتور برای گفتن آن چه در سر داشت، کمک فراوانی کرد. شل سیلور استاین به جهان و مردمش خوش بین نیست، اما هرگز از شکل بیانش بر نمی آید که دارد به نقد جهان

می پردازد. او قصه می گوید، جهانی خیالی می سازد، آدم های عجیب و غریب خلق می کند و اتفاقات شگفت انگیزی را طرح ریزی می کند. سیلور استاین حتی در شعرهایش نیز قصه می گوید. جهان خیالی سیلور استاین جهانی عاری از خشونت و تبعیض است و این عدم تبعیض حتی میان حیوانات و انسان هانیز نمود پیدای می کند. شل سیل استاین با زبانی کودکانه و در جهان عجیب و غریبش، حرف های بزرگ و فیلسوفانه ای می زند و از این نظر برای او هنوز در ادبیات جهان نظیری نیامده است. شاید بتوان او را دنباله روی آنتوان دوستانت اگزوپوری تنها در شازده کوچولو دانست که کتابی را که برای کودکان نوشته بود، به یک آدم بزرگ تقدیم کرد تا نشان دهد که حرف های بزرگی برای آدم بزرگ هادر زبان کودکانه اش نهفته است و



بزرگ ترین حرفش، عشق بود. با این همه شل سیلور استاین راه خود رفته و تمایز و فاصله اش را با دیگر نویسندگان جهان حفظ کرده است. کتاب «با همه چی» از جمله آثار ترجمه شده شل سیلور استاین در نشر آفاق و با ترجمه رضی هیرمندی و مهرنوش پارسائزاد است که یکی از بهترین ترجمه ها از آثار شل سیلور استاین است. زیرا آثار او در عین سادگی، پیچیده اند و قرار نیست هر مترجمی بتواند زبان و طنز او را

به خواننده منتقل کند. این مجموعه تعدادی از شعرهای روایی سیلور استاین با همان زبان کودکانه و اعجاب است که حرف های عمیق و زرفی برای آدم بزرگ ها دارد. این مجموعه با ۲۰۴ شعر کوتاه، با نقاشی های اصلی شل سیلور استاین منتشر شده است. شعرهای این مجموعه شوخ طبعانه و گاه گزنده است و مجموعه ای از تضادهاست که سبک شخصی سیلور استاین را می سازند.